

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

گه جان من فدای ایران

وقتی شریفی‌ها، پی‌مزد و ملت، پای کار ایران می‌آیند...

نشر مقاله

هرگز نقش نواز لوح دل و جان نرود

پرچم‌های مانده بر زمین را هم بلند کردیم. بعد تمام آن‌ها که پرچمی در دست دارند را پیدا کردیم و پرچم‌هایمان را باهم بالا بردیم. آن لحظه که پرچم را بالای سرت می‌بری و تکانش می‌دهی، گویی جانت را می‌ریزی در پرچم. از پایین به حرکت مارپیچش در آسمان نگاه می‌کنی و وقتی دوباره برگشت به همان جای اول، تو دوباره از او جان می‌گیری. ما از پرچم جان می‌گیریم؛ زیر سایه‌اش قدم می‌زنیم و این پرچم می‌شود نشان هر آنکس که ریشه دارد در این وطن، نشان تمام ما مردم ایران. نشان تمام ما که پای وطن ایستاده‌ایم.

خاطر خشم دشمن قطع شده و دسترسی‌ها محدود. شاید شب در تجمع دستانت را به نشانه مقاومت و پیروزی مشت کنی و بالا ببری، یک لیخند هم چاشنی‌اش کنی و هدیه کنی به هم‌وطنت که از توی ماشین تو را می‌بیند و خیلی کارهای دیگر که ما در این پنجاه‌واندی روز کنار هم انجامش دادیم. ما تمامشان را هدیه کردیم به وطن. ما تمام این کارها را به پرچم ایران مزین کردیم و به عشق هم‌وطن‌هایمان در کنار هم ایستادیم و انجامشان دادیم. هر کدامشان پرچم کوچک ایرانی بود که میله‌اش را سفت بغل کردیم. بعد

دارند صرف چه کارهایی می‌شوند. به غیرتت برمی‌خورد که در این کشاکش عالم جای خاصی نداشته باشی. از خورجینت هر توانایی و تجربه و استعدادی که داری درمی‌آوری و با جان و دل هدیه می‌کنی به کشورت تا آنجا که نیاز دارد خرجش کند. ممکن است بلد باشی خوب عکس بگیری، خوب بنویسی، کد بزنی، بروی در دل میدان و با نیروهای امدادی آواربرداری کنی، اصلاً بروی پیش آسیب دیده‌های جنگ و با آن‌ها همدلی کنی. یک آدمین خوب و پاسخگو باشی برای کانال اطلاع‌رسانی دانشگاه وقتی سرورها به



ریحانه قنبری

۴۰۰ ارشد مهندسی انرژی

جنگ که می‌شود انگار دستگاه مختصات آدم با محورهای حقیقی عالم کالیبره می‌شوند. آدم هی با خودش مرور می‌کند، اصلاً این کارهایی که داشتیم می‌کردم کار خوبی است؟ به درد می‌خورد؟ واقعی است؟ وقتی بالای سرت صدای انفجار و موشک و جنگنده می‌آید، انگار از بین دقیقه‌های عالم می‌خزی تا جان سالم به در ببری، بیشتر از قبل ارزش تک‌تک نفس‌هایت را می‌فهمی که

حکایت یک خلاقیت مسئولانه

مختصات جنگ در موقعیت شریف



مهدیار شاهمیرزایی

۳۰ کارشناسی مهندسی صنایع

روزهای اول جنگ خوب یادم هست که چگونه تلاطم اخبار گوناگون قلبم را به این سو و آن سو می کشید. با هر حرف و حدیثی که به گوشم می رسید، بین احساسات مختلف جابه‌جا می شدم. دمی غم داشتم و دمی خشم. ساعتی با ترس بودم و ساعتی با حماسه. در این میان اما همواره هوای خاصی در سرم بود و مرا هانمی کرد. شور و حالی عجیب، شاید از جنس احساس مسئولیت!

دلم می خواست کاری برای این اوضاع انجام بدهم. پیش خودم می گفتم کاش مثلاً مامور آتش نشانی یا هلال احمر بودم. حتی دوست داشتم سربازی پای لانچر موشک و پشت تیربار پدافند باشم. آیا می توانستم در آوار برداری و رسیدگی به مصدومان کمک کنم؟ اما واقعیت این بود که من هیچ کدام از این‌ها نبودم؛ من یک دانشجو بودم، یک دانشجو! در روزهای جنگ که هر کس هر کاری که از دستش بر می آید برای کشور و مردمش می کند، کارت فعالیت دانشجویی طور دیگری بازی می شود. برخی تشکل‌های دانشجویی سرعت عمل بالایی داشتند و بلافاصله با اولین ایده‌های مطرح شده شروع به فعالیت کردند. از آنجا که، اولاً، چند تن از دانشجویان بی‌قرار بودند که مانند من در جست‌وجوی انجام کاری مفید بودند اما عضویت فعالی در تشکل خاصی نداشتند (تعطیلی دانشگاه و ادارات نیز در افزایش شمار این افراد مؤثر بود) و ثانیاً، جنگ موجب نوعی اتحاد میان گروه‌های مختلف دانشجویی شده بود، فته‌رفته نیاز به بستری برای فعالیتی فزاینده احساس می شد. به شکلی که هر کس اراده کند برای کمک به پیشبرد کارها، بتواند با یک پرس و جوی کوچک از اطرافیان به متولیان امور متصل شود و گوشه‌ای از کار را بگیرد؛ اما دقیقاً چه کاری؟ در این پنجاه‌و‌اندی روز در موقعیت شریف چه گذشت؟

روزهای اول در موقعیت سرد دانشگاه شریف، تجمعی از اذان ظهر تا ساعاتی پس از اذان مغرب برپا شد. این تجمع چندساعته هر روز برنامه‌های متنوعی را شامل می شد. اقامه نماز، کاروان خودرویی، مراسم و دسته‌عزاداری و جلسات با مسئولین، اندیشمندان و تحلیل‌گران از جمله این برنامه‌ها بودند. همچنین برنامه‌های ثابت ماه مبارک رمضان از

جمله ذکر دعای توسل، جزء خوانی قرآن و به‌ویژه ضیافت پربرکت افطاری از داخل مسجد دانشگاه به مقابل سردر انتقال یافته بودند که علت آن را می توان محدودیت‌های اعمال شده بر ورود به دانشگاه در اثر شیوه‌نامه‌های امنیتی دانست. یادم هست تصاویر راهپیمایی چند هزار نفره‌ای که دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اساتید دانشگاه (به اتفاق خانواده و جمعی از مردم محله طرشت) در خیابان‌های اطراف دانشگاه صورت می دادند، چقدر در شلوغی فضای مجازی آن روزها مورد توجه واقع شد. آخر دانشگاه نماد آبادی و نگاه به آینده است؛ برای همین در تاکسی که با مردم حرف می زدم، می گفتند که چنین رویدادی در این وضعیت به ظاهر بحرانی مایه دلگرمی آن‌ها است! راستش من از ابتدا در جریان همه تصمیم‌گیری‌ها نبودم؛ اما از تغییر دائمی روند برنامه‌ها، خطاهای پیش‌بینی نشده و اشتباهات اجرایی این‌طور برداشت کردم که عمده حرکات به صورت خودجوش شکل می گیرند و در آن روزهای اول هنوز سازماندهی کاملی برای این موج نیروی انسانی سرازیر شده به سمت پایگاه دانشگاه شکل نگرفته بود. مثلاً تیم‌های بعضاً ۲-۳ نفره می آمدند و حرکات نمادین و تولیدات رسانه‌ای متنوعی را از موقعیت شریف خروجی می دادند که در ابتدا لزوماً با همدیگر هماهنگ نبودند. هر گوشه را نگاه می کردی شخصی در پی کاری می دوید که لزوماً در حوزه مسئولیت‌هایش نبود. اگر چند دقیقه در آن حوالی چرخ می زدی حتماً یک نفر پیدا می شد که کاری دست بدهد. مثلاً خودم با اولین نگاه به وضعیت احساس کردم که جای چند نیروی پشتیبانی برای رسیدگی به خود این افراد لازم است. پس به دنبال تهیه افطار و سحری برای آن‌ها افتادم. با گذشت یک هفته از آغاز جنگ، فته‌رفته سازماندهی شدیم و به هر کس مسئولیتی سپرده می شد که به آن پایبند باشد. بعد از تقسیم کارها، نظم برنامه‌های اولیه به وضعیت خوبی رسیده بود و کم‌کم می شد به اجرای ایده‌های جدیدتر و سخت‌تر فکر کرد. یکی از این ایده‌ها مستند «جان دیگر» بود که گروهی آغاز به ضبط آن کردند و حالا دارم این خطوط را می نویسم، قسمت اولش آماده پخش از شبکه ۲ است. برخی گروه‌های دانشجویی هم که ابتدا برنامه‌های تقویمشان را به خاطر جنگ لغو کرده بودند، با گذر زمان تصمیم به برگزاری برنامه‌شان، همان‌جا مقابل سردر دانشگاه گرفتند.



مدتی بعد که به ایام نوروز نزدیک شدیم، برخی دانشجویها شروع به ترک تهران کردند. به جز در بعضی موارد (مثلاً کارهای رسانه‌ای)، این موضوع فشار کارها را روی دوش افراد باقی مانده سنگین‌تر می کرد. همچنین با گذر از هیجانات اولیه، چابکی افراد کاهش پیدا می کرد و تداوم فعالیت‌ها دشوارتر می شد. با این وجود اما مایه خوشنودی است که هیچ شبی چراغ برنامه‌ها خاموش نشد. حتی مراسم شب‌های قدر هم به قوت خود در مسجد دانشگاه برگزار شد که با مطمئن‌ترین برای خدام هیات‌الزهر (س) چالش برانگیز بوده است. وداع با پیکار شهدای شریفی جنگ هم در حاشیه همین مراسم صورت گرفت.

مورد دیگر اما مخاطب‌بینی بودند که تهران را ترک می کردند. پایگاه موقعیت شریف باید به فکر برنامه‌هایی با امکان تخاطب از راه دور می افتاد. مثلاً پوشش بیعت شریف از جمله این برنامه‌ها بود. زمانی که من این پوشش را امضا کردم، نیم‌روزی بیشتر از انتشار آن نگذشته بود و گزارش دادند ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان، دانش‌آموختگان، استادان و کارکنان دانشگاه صنعتی شریف بارهبر جدید کشور بیعت کردند. با مثال دیگر از این دست، پوشش سلاح ایمان بود که از طریق بازی «بله» اجرا می شد و هنوز هم برقرار است. موقعیت شریف برای مدتی شاهد نوعی روزمرگی بود. در این میان اما یک واقعه روزمرگی جنگ را به هم زد: حمله

ناجوانمرده دشمن به شریف که در آن به ساختمان مرکز فناوری اطلاعات خسارت شدیدی وارد شد. اما با این وجود، شب همان روز موقعیت شریف میزبان تجمع محکومیت حمله به دانشگاه‌ها بود. همچنین گروهی از دانشجویان تا چند روز از ساعت ۱۳:۳۰ تا اذان مغرب با سر دادن شعار در مقابل محل تجاوز دشمن، به حفظ موقعیت شریف پرداختند. حالا با طولانی شدن جنگ، مسئولین و برنامه‌ریزان کم‌کم به سمت قالب‌هایی با امکان برگزاری مداوم سوق پیدا کرده‌اند. کاروان خودرویی و دسته‌های حمایت از رزمندگان، تبدیل به جزء ثابت برنامه‌ها شدند که البته دیگر به جای منطقه طرشت، در مناطق اطراف دانشگاه برگزار می شوند. باقی ویژه برنامه‌ها هم در قالب همین دسته‌ها تعریف می شوند. همچنین گروهی به فکر تزیین اندیشه‌های نخبگانی به فضای جنگ با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها افتاده‌اند. من از اینکه بتوانم در این شرایط جنگی کمی احساس مفید بودن برای کشورم کنم بسیار خوشنود هستم. بدیهی است که با ورود جنگ به مراحل جدید، افراد کم‌کم به زندگی قبل از جنگ خود بر خواهند گشت. اما مطمئناً موقعیت شریف به عنوان یک تجربه شیرین و سازنده در ذهن هر کسی به نوعی با آن درگیر خواهد ماند.

شریف و تاریخی

بیعت جمعی از خانواده دانشگاه صنعتی شریف با سومین رهبر انقلاب اسلامی

ساعاتی بعد از انتخاب آیت‌... سیدمجتبی خامنه‌ای در شب ۱۹ ماه رمضان به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی، پوشی تحت عنوان «بیعت شریف» با ایشان راه افتاد. پوشی شامل نامه خانواده دانشگاه صنعتی شریف اعم از استادان و دانشجویان به همراه فارغ‌التحصیلان و کارکنان به مردم ایران، که در ادامه متن آن آمده است:

ملت وفادار و سرفراز ایران، انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی، خدمت شما و همه مسلمانان جهان تبریک و تهنیت عرض می کنیم. ما استادان، دانشجویان، دانش‌آموختگان و کارمندان دانشگاه صنعتی شریف، ضمن تشکر از خبرگان ملت در اجرای اصل ۱۰۷ قانون اساسی، با امضای این نامه، بیعت خود را با منتخب خبرگان ملت اعلام می داریم. رجاء واثق داریم که این انتخاب شایسته موجب یأس و ذلت دشمنان ایران اسلامی و مایه امید و برکت ملت بزرگ ایران و همه آزادگان جهان است. این کارزار بزرگ شریفی‌ها، با گذشت یک روز، با امضای بیش از ۱۱۰ استاد و ۱۰۰۰ دانشجو به عنوان هسته مرکزی، اعلام موجودیت کرده و حدود ۱۳۰۰ دانش‌آموخته و کارمند هم به آن پیوستند. حرکتی جمعی و نمادین که بعد از گذشت ۳ هفته با امضای حدود ۱۴۰۰

دانشجو و ۱۲۳ استاد، در کنار ۱۶۰۰ فارغ‌التحصیل که اکثرشان ورودی‌های دو دهه اخیر شریف بودند و به‌طور خودجوش به هسته اصلی امضاکنندگان یعنی جمع اساتید و دانشجویان پیوستند، از

۳۰۰۰ امضا عبور کرد. افرادی که فرایند اعتبارسنجی آن‌ها مستمراً انجام شده و مسئولین پوشش تلاش کردند تا امضاهای غلط یا تکراری را از آن حذف کنند. همچنین ویژگی ممتاز دیگرش را هم می توان علنی بودن اسامی امضاکنندگان دانست که پس از اعتبارسنجی، قابل مشاهده و بررسی توسط همه مردم در لینک QR مقابل بودند و این اقدام را هم می توان به سایر کنش‌های جمعی شریفی‌ها به صورت علنی و بدون مخفی کردن نام‌ها افزود.

تولیدات رسانه‌ای مختلف از شهرهای دور و نزدیک ایران حول این نامه منحصر به فرد هم برنامه‌های دیگری بود که در شبکه‌های اجتماعی، پیرامونش تدارک دیده شد. نهایتاً اینکه این پوشش همچنان تا روز انتشار این شماره از روزنامه، در نگاه‌های معرفی شده ادامه دارد و افرادی که به هر دلیل آن‌را هنوز امضا نکرده‌اند می‌توانند به جمع امضاکنندگان بپیوندند.



اعلام بیعت خانواده بزرگ دانشگاه صنعتی شریف با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای سومین رهبر معظم انقلاب اسلامی

فردای سبز برای روزهای سخت

کار خیر در روزهای سخت تعطیل نمی‌شود



مصطفی نازنین

۴۰۳ کارشناسی شیمی

جنگ، واژه‌ای شوم و دهشتناکی است؛ نقطه‌ای مقابل انسانیت، آرامش و خرد که در نهایت اصل حیات را نشان می‌گیرد. همه‌ی ما طعم تلخ آن را به نوعی چشیده‌ایم، اما برای برخی، جنگ اتفاقی گذرا نیست، بلکه نبردی هرروزه در روح، جسم و اندیشه‌شان است.

ما در خیریه «فردای سبز» همواره کوشیده‌ایم تا آتش بسی کوتاه، حتی به درازای یک نفس عمیق، برایشان رقم بزنیم. برای این عزیزان، جنگ نظامی سرآغاز دردهایی عمیق‌تر است. چه پدران، برادران، مادران و کودکانی که در این جنگ جان باختند و از خود جز داغی جگرسوز، یادگاری بر جا نگذاشتند؛ و چه خانه‌هایی که مهر و شوق زندگی از آن‌ها رخت بر بسته است. خیریه فردای سبز از ابتدای این

بحران، همواره کوشیده است تا مرهمی بر زخم‌های این عزیزان باشد و این فعالیت‌ها حتی با تعطیلی دانشگاه نیز متوقف نشده است. این مجموعه تاکنون نزدیک به ۳ میلیارد تومان صرف کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ کرده است. تأمین و توزیع بسته‌های اقلام غذایی در ۲ نوبت، همچنین قربانی چندین رأس گوسفند و توزیع

گوشت آن میان خانواده‌های تحت پوشش از جمله اقدامات خیریه در این ایام بوده است. خانواده‌های نیازمندی که پیش از این نیز برای تأمین نیازهای اولیه‌ی خود همچون درمان، مسکن و خوراک با دشواری روبرو بودند، با شروع جنگ در شرایطی به مراتب سخت‌تر قرار گرفتند. در همین راستا، تاکنون نزدیک به ۱ میلیارد تومان وام و چند

صد میلیون تومان کمک‌هزینه بلاعوض به این خانواده‌ها اعطا گردیده است. این مبلغ صرف پرداخت اجاره‌بها، هزینه‌های درمانی و تأمین مواد غذایی شده است.

علی‌رغم شرایط جنگی، حمایت‌های ویژه برای ماه رمضان و عید نوروز نیز فراموش نشد و نهایت تلاش خود را به کار بستیم تا در میانه‌ی این همه سختی، شورش و نشاط از

دل‌هایشان رخت نبندد. این حمایت‌ها شامل برگزاری مراسم اطعام، توزیع بسته‌های افطاری و تأمین مایحتاج عید نوروز برای این خانواده‌ها بوده است.

فعالیت‌های دانشجویی خیریه نیز متوقف نشده است. دانشجویان عضو خیریه فردای سبز، به عنوان اولین اقدام، پروژه‌ی تعویض شیشه‌های آسیب‌دیده در جنگ را آغاز کرده‌اند و در گام بعدی، نوسازی خانه‌های آسیب‌دیده را با یاری شمائیکوکاران کلید خواهیم زد. در کنار کارهای اجرایی، زیرگروه آموزشی «افرا» نیز فعالیت خود را متوقف نکرده و با وجود مجازی بودن مدارس، به پشتیبانی و تدریس دانش‌آموزان نیازمند ادامه داده است تا در سال تحصیلی جدید نیز همراه و راهگشای آنان باشد. این تلاش‌ها گواهی است بر اینکه جوانان و دانشجویان این مرز و بوم همواره به یاد هم‌وطنان خود هستند و از هیچ کوششی برای بهبود شرایط دریغ نمی‌کنند. خیریه فردای سبز می‌کوشد تا با وجود تعطیلی‌ها و عدم حضور فیزیکی دانشجویان در دانشگاه، همچنان در کنار آسیب‌دیدگان باقی بماند. شما نیز اگر علاقه‌مند به یاری ما در این مسیر هستید، می‌توانید در کنار ما برای کمک به هموطنان گام بردارید.



این بار نوبت ماست که بایستیم...

داستان تلاش بی‌منت بچه‌های مهدویون

بهانه، با همان روحیه روز اول. قرار هم همین بود؛ تا وقتی که نیاز باشد، این آشپزخانه روشن می‌ماند و این خدمت ادامه دارد.

آشپزخانه جهادی مهدویون همچنان روشن است. دیگرها هنوز روی آتش‌اند. دانشجویانی که آن شب تنها با یک سؤال ساده دور هم جمع شده بودند، حالا بیش از پنجاه روز است که بی‌وقفه پای کار مانده‌اند؛ بدون تعطیلی، بدون

کار را شروع می‌کردند تا وعده سحر را آماده کنند. در اوج ماه رمضان، روزانه حدود ۳۰۰۰ وعده افطار و سحر از همین آشپزخانه کوچک اما پر تلاش بیرون می‌آمد. بعد از پایان رمضان هم کار متوقف نشد. برنامه پخت تغییر کرد و آشپزخانه وارد فاز جدید شد؛ پخت روزانه ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ وعده شام برای نیروهای امدادی و گروه‌های خدمت‌رسان شهر تهران که مشغول به فعالیت بودند. حالا دیگر تیم آشپزخانه شکل منسجم‌تری پیدا کرده بود. از میان حدود ۱۰۰ داوطلب فعال، هر روز ۳۰ تا ۴۰ نفر به صورت ثابت در آشپزخانه حضور داشتند؛ بین بخار دیگ‌ها، صدای کارد و تخته، رفت‌وآمدها و خستگی‌های شبانه یک چیز مشترک بود، همه می‌خواستند سهمی در این روزهای سخت داشته باشند. در کنار آشپزخانه، مأموریت‌های میدانی نیز ادامه داشت. گروه امداد و نجات مهدویون که مسئول امداد در منطقه ۱۰ تهران بود هر لحظه آماده اعزام به مناطق اصابت بود و طی این مدت ۳ بار به نقاط اصابت اطراف دانشگاه اعزام شد؛ برای کمک به تخلیه و امداد رسانی. در همان روزها، بچه‌ها وارد خانه‌های آسیب‌دیده شدند تا آواربرداری، پاک‌سازی و جداسازی وسایل سالم را انجام دهند. در سطح محله نیز، تیم فرهنگی مشغول دیوارنگاری بود؛ نقش‌هایی که در دل تاریکی جنگ، نور می‌پاشیدند. حالا امروز، حدود ۵۰ روز از آغاز جنگ می‌گذرد و چراغ



محمد مهدی نوری

۴۰۳ کارشناسی مهندسی صنایع

جنگ شروع شده بود و سؤال ما این بود: «ما چه کاری می‌توانیم بکنیم؟» چند ساعت بیشتر از آغاز جنگ نگذشته بود که اولین جلسه اضطراری تشکیل شد. همه پیشنهاداتمان را مطرح کردیم؛ از کمک‌های میدانی گرفته تا پشتیبانی، از تدارکات تا امداد. چند ساعت بحث شد، نظرات موافق و مخالف گفته شد، اما سرانجام همه به یک نقطه مشترک رسیدیم: باید یک آشپزخانه جهادی راه بیفتد؛ قلبی که بتواند نیروهای امدادی را در خط مقدم خدمت‌رسانی سرپا نگه دارد. کار از همان روز شروع شد. نقطه‌ای در شمال دانشگاه انتخاب شد و بچه‌ها با اسپیس فضای خالی را تبدیل کردند به یک آشپزخانه میدانی. دیگ‌های بزرگ یکی یکی آورده شد، اجاق‌ها روشن شد و میزها سر جایشان قرار گرفتند. تا قبل از اذان مغرب، یک آشپزخانه کامل سرپا شد. از همان شب، اولین مرحله پخت غذا آغاز شد؛ غذاهایی که قرار بود به دست نیروهایی برسد که شب و روز درگیر امداد رسانی، برقراری امنیت و رسیدگی به مردم بودند. جنگ، جنگ خاصی بود؛ همزمانی‌اش با رمضان، اراده‌ها را تقویت می‌کرد. بچه‌ها از جان مایه گذاشتند. از ۱۱ تا حوالی ۵ بعدازظهر، درگیر پخت بودند تا وعده افطار مهیا شود؛ درست بعد از نماز و افطار، دوباره



به یاد وزوایی: از دل آوار

بچه‌های هابی که موقعیت خدمت را از مناطق محروم به قلب تهران تغییر دادند



فاطمه دلاور

۹۸ کارشناسی مهندسی مکانیک

گروه جهادی شهید وزوایی دانشگاه شریف، با تجربه‌ای که از فعالیت در مناطق مورد هجوم قرار گرفته در تهران در جنگ ۱۲ روزه داشت، با گذشت حدود ۱ هفته پس از شروع جنگ رمضان، وارد مناطق آسیب دیده شد. در ابتدای کار، پس از فراخوان عمومی اولیه حدود ۱۵۰ نفر از آقایان برای کارهای آواربرداری منازل و معابر ثبت نام کردند. کارهای عمده در ابتدای جنگ و فعالیت گروه شامل فعالیت آواربرداری، پلاستیک زدن، نظافت کلی و مواردی از این قبیل بود. در فراخوان دوم که در اولین روز ۱۴۰۵ بود حدود ۲۵۰ نفر از خانمها و آقایان ثبت نام کردند. در بازه اول عید تا اعلام آتش بس، عمده فعالیت‌ها در بخش خانمها به صورت جمع آوری و بسته‌بندی وسایل و نظافت در خانه‌های آسیب دیده بود. همچنین براساس توانمندی افراد در رشته‌های روانشناسی، پزشکی و آموزشی به خانواده‌های آسیب دیده که از طریق شهرداری معرفی می شدند، خدمت رسانی می شد. در هتل‌های محل اسکان افرادی

که خانه‌هایشان بر اثر اصابت دجار تخریب کامل شده بود، فعالیت‌های روانشناسانه، کار با کودک و همچنین برگزاری رویداد انجام گرفت. در بخش دیگر، یک دوره آموزشی تحت عنوان «مداد فوری» برای افراد علاقه‌مند و توانمند با روحیه بالا برگزار شد و برای افراد واجد شرایط، امکان حضور در مناطق آسیب دیده و ارائه کمک‌های ابتدایی به افراد پس از اصابت فراهم گردید. همچنین در برخی مناطق، فعالیت‌های فرهنگی همچون برگزاری یادواره شهدا، یادمان سازی و نهال کاری انجام شد. در بخش آقایان، علاوه بر فعالیت‌های ابتدایی، آموزش، اندازه‌گیری و نصب شیشه برای ساختمان‌های آسیب دیده انجام گرفت. ابتدا کارگاه شیشه‌بری در منطقه چهار و سپس در منطقه هشت برای فعالیت این افراد و خدمات‌رسانی شروع به کار کرد. همچنین در نقاطی بر حسب نیاز، کمک به نیروهای هلال احمر نیز از جمله فعالیت‌های دیگر آنها بود. در ادامه و پس از حمله به شریف، دانشجویان و فارغ التحصیلان جهادگر شریف برای آواربرداری، نظافت مسجد و گروه فلسفه علم دانشگاه پای کار آمدند در این فعالیت که حدود شش روز به طول انجامید، اقداماتی نظیر آواربرداری و جمع آوری نخاله‌ها،



برق کاری، جوشکاری و فعالیت‌های روان‌شناسی، پزشکی، آموزشی و فنی برای فرایند بازسازی منازل آسیب دیده است. یکی از اهداف اصلی این گروه، فراهم کردن بستری است تا افراد با توانمندی‌ها و علاقه‌مندی‌های مختلف بتوانند در عرصه‌های گوناگون خدمت‌رسانی کنند و گامی مؤثر در جهت ایجاد همدلی بردارند.

خاک‌برداری، جمع کردن و شست‌وشوی فرش‌ها، تمیز کردن قرآن‌های خاکی، نظافت کف طبقات بالا و پایین مسجد، جمع کردن شیشه‌های شکسته شده و همچنین پاکسازی اتاق اساتید فلسفه علم نیز که بر اثر حمله ویران شده بود، صورت گرفت. همچنین، این گروه پس از آتش بس و تا به امروز، مشغول ارائه خدمات متنوعی نظیر شیشه‌بری،

تویکی نه‌ای هزاری: تو چراغ خود برافروز

هیئت الزهرا پاک‌تر از همیشه



علیرضا محسنی

۴۰۲ ارشد MBA

مجموع ارزش خدمات ارائه شده در این دوره، بیش از ۳۲۱۷ میلیون تومان برآورد شده است. همچنین در شهرهای اصفهان و همدان نیز دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، موبک‌هایی با عنوان «موبک الزهرا» برپا شد که جلوه‌ای از پیوند صمیمانه مردم با مدافعان امنیت کشور را به نمایش گذاشت. در حال حاضر نیز، با توجه به حملات رژیم اشغالگر قدس به لبنان، موبک‌الزهرا به جمع آوری کمک برای مردم مظلوم و جنگ‌زده لبنان مشغول است. فعالیت‌های خیریه هیئت نیز هم‌زمان با شرایط جنگی، با سرعت و گستردگی بیشتری ادامه یافت.

در روزهایی که آرامش کشور در پی تهاجم اخیر دشمن با خطر روبه‌رو شد، موجی از همدلی، ایثار و مسئولیت‌پذیری در میان مردم به وجود آمد. هیئت الزهرا نیز همچون همیشه، پیشگام عرصه خدمت‌رسانی و پشتیبانی از اقشار مختلف بوده و با اتکا به کمک‌های مردمی و ظرفیت‌های موجود، تلاش کرد نقشی مؤثر در کاهش دردهای این دوران ایفا کند. این چند کلمه مروری است بر بخشی از فعالیت‌های خیرخواهانه هیئت در دو زمینه «پشتیبانی از نیروهای مدافع امنیت» و «حمایت از مردم آسیب‌دیده» در ایام جنگ تحمیلی سوم. هم‌زمان با آغاز جنگ، موبک هیئت الزهرا با تکیه بر مشارکت دانشجویان، اساتید، فارغ‌التحصیلان و دیگر نیکوکاران، به صورت خستگی‌ناپذیر به ارائه خدمات پرداخت. در فاصله روزهای نخستین جنگ تا اواسط فروردین، اقداماتی چشمگیر صورت گرفت؛ از جمله آماده‌سازی و توزیع ۱۶۰۰۰ پرس افطاری ساده برای شرکت‌کنندگان در تجمعات مردمی و نیروهای حافظ امنیت، طبخ و توزیع ۵۹۰۰ پرس غذای گرم برای وعده سحر رزمندگان، تهیه و توزیع ۶۵۰۰ پرس ساندویچ برای شام نیروهای نظامی و همچنین طبخ بیش از ۱۵۵۰۰ پرس غذای گرم دیگر برای شام رزمندگان در روزهای آغازین سال جدید. افزون بر این، چای‌خانه موبک با توزیع بیش از ۳۵ هزار لیوان چای و سایر نوشیدنی‌های گرم در سردر دانشگاه و مسجد دانشگاه فعال بود و ۷۰ کیلوگرم آجیل نیز در قالب ۱۴۲۰ بسته برای رزمندگان مستقر در جزایر خلیج فارس ارسال شد.

و این مبلغ در قالب وام‌های قرض الحسنه ۱۰ میلیون تومانی به بیش از ۱۰۰ نفر از این افراد پرداخت شد. در زمینه بازسازی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای صورت گرفت. از ابتدای سال ۱۴۰۵، گروهی جهادی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، با هماهنگی نهادهای محلی، به بررسی و بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده در مناطق کم‌برخوردار تهران و حومه، از جمله محلات منطقه ۱۳ تا ۱۹، قلعه حسن خان، نسیم‌شهر و خیرآباد پرداختند. تاکنون بیش از ۵۶۰ واحد بررسی شده و بازسازی ۵۰۵ واحد به پایان رسیده است. این بازسازی‌ها شامل تعویض پنجره‌ها و درهای شکسته، دیوارچینی، گچ‌کاری و سایر اقدامات ضروری بوده و با هزینه‌ای بیش از ۷۵۰ میلیون تومان و ارزشی اقتصادی فراتر از ۱۶ میلیارد تومان انجام شده است. این روند همچنان ادامه دارد.

بازسازی مسجد شریف نیز با همکاری دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، نهاد رهبری دانشگاه، هیئت‌الزهرا و گروه جهادی شهیدوزوایی آغاز شد. بخش‌هایی مانند آواربرداری، نظافت، جمع‌آوری شیشه‌های شکسته و تعمیر سقف و درها انجام شده و اقدامات تکمیلی همچون تعمیر سیستم تهویه و برق در حال پیگیری است. هیئت‌الزهرا علاوه بر تداوم پروژه‌های بازسازی منازل کم‌برخوردار و مسجد دانشگاه، همچنان به جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای یاری مردم می‌پردازد و هر شب در پایان دسته‌های مردمی، نذورات مردمی را تحت عنوان طرح «یاری مردم برای مردم» جمع‌آوری می‌کند تا به خانواده‌های نیازمند یا آسیب‌دیده جنگ برسد. این فعالیت‌ها، تصویری روشن از روحیه جهادی، تعهد اجتماعی و هم‌بستگی ایمانی است که در سایه وحدت و عشق به وطن رشد یافته و استمرار می‌یابد.



خط مقدم دانشگاه



در دانشگاه بودیم و شروع هفته تحصیلی دیگر و صدای برخورد گچ به تخته که چند صدای انفجار، کلاس‌ها را ناتمام گذاشت. دانشجویان باید می‌رفتند اما عده‌ای از آن‌ها نمی‌توانستند در برابر حمله به کشورشان بی تفاوت بایستند. اولین کاری که خروجی این دغدغه‌مندی بود، خلق تصویر ایستادگی و تعهد بود. ظهر شنبه ۹ اسفند جمع شدیم. پرچم ایران را جلوی سردر آزادی برافراشتیم و با زبان پرچم پیام را به مردم رساندیم.

با اعلام خبر شهادت رهبری، همان‌طور که آن شهید فرموده بود، مردم به جای ناامیدی در این نقطه تاریخی، در مسیر اتحاد برای ایران قرار گرفتند و نحوه دیگری از حضورشان در حرکت انقلاب را رقم زدند. این بار بقیه افسار، به خصوص نخبگان بودند که از این اتفاق عظیم دنباله‌روی کردند. به همین دلیل، موقعیت شریف با همکاری دیگر تشکلهای دانشجویان انقلابی تشکیل شد و تقسیم مسئولیت شد.

برنامه بعد از نماز ظهرهای سردر شریف که با سخنرانی آغاز می‌شد، با گفت‌وگوهای پیرامون جنگ، با حضور کارشناسان و نمایندگان مجلس ادامه پیدا می‌کرد. با حضارانی که با زبان روزه، بدون ترس هر روز حاضر می‌شدند و آنچه که خودمان هم فکرش را نمی‌کردیم، اتفاق افتاد. موقعیت شریف تا همین امروز ادامه یافته است و اشکال مختلف از حضور را ثبت می‌کند. بعد از ظهرها هم نوای جزء خوانی قرآن طنین‌انداز می‌شد و حال رضایی را زنده تر می‌کرد. حضور شریفی‌های پای کار به دانشگاه محدود نشد و در تولیدات رسانه‌ای هم با مستند «جان دیگر» که روایت نوری از دل تاریکی خرابه‌ها بود، بروز یافت. میدان انقلاب، نشریه بسیج دانشجویی نیز به انتشار تراکت‌های ویرایش شده از برنامه‌های ظهر سردر در بین مردم و سلسله متون تحلیل تخصصی جنگ در کانال پیام‌رسان بله می‌پرداخت. حرف ما فقط محدود به مردم ایران نبود. ما حالا حرف تازه‌ای برای جهان و به خصوص مردم کشورهای منطقه داشتیم که با پیغام‌های تصویری، حرف و روایت‌مان را به گوش‌شان می‌رساندیم. در ادامه گفت‌وگو ما با دیگران به سلسله تجمعات روبه‌روی سفارت‌ها مثل برنامه شریک خون رسید و تربیون مشترک مردمی-نخبگانی شد.

جنایات دشمن دلیل به حمله به دانشگاه‌ها رسید و طولی نکشید که اسم شریف هم در این لیست قرار گرفت. بسیج دانشجویی دانشگاه با ترتیب دادن یک کنفرانس خبری بین‌المللی که با حضور ده‌ها خبرنگار همراه شد، واقعیت اقدام وحشیانه دشمن در هدف قرار دادن زیرساخت‌های علمی ایران را روایت کرد و اراده خاموش‌نشده‌ی سازه‌های موفقیت‌ها را فریاد زد.

حتی آتش‌بس هم صدای خیابان و دانشجویان را خاموش نکرد و برنامه مردمی دانشجویی، حمایت و مطالبه‌گری از تیم مذاکره‌کننده برای گرفتن حق مردم در روبه‌روی وزارت خارجه انجام شد و خواسته مردم را متذکر شد. امروز هم مثل همیشه، بسیج دانشجویی در حرکت ساخت ایرانی قوی به دست جوانان است که میراث امام شهید این انقلاب‌اند و بدون توقف به راهش ادامه می‌دهند.



میدان به میدان، حضور

روایتی از حضور و بروز اساتید دانشگاه در جنگ تحمیلی سوم



عضو هیات علمی دانشکده فیزیک

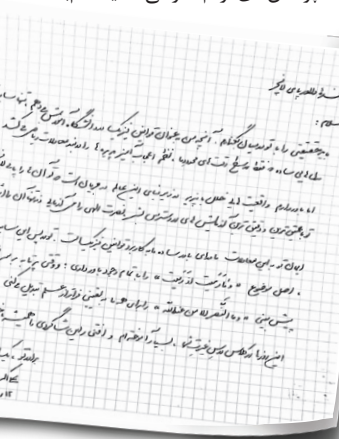
آنچه در ایام پرفراز و نشیب «جنگ تحمیلی سوم» بر ما شریفی‌ها از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان گرفته تا کارمند و استاد گذشت، فصلی تأمل‌شدنی از تعهد، بیداری و استقامت در دفتر افتخارات شریف بود. در این فرصت هر چند اندک، بر خودم وظیفه می‌دانم تا روایتی از تکاپوی خالصانه اساتید و دانشگاهیان شریفی در روزهای سرنوشت‌ساز «جنگ تحمیلی سوم» را ارائه دهم تا در تاریخ پرافتخار شریف ثبت شود. در خط مقدم روایت جنگ، حضور چشمگیر و مؤثر اساتید در عرصه رسانه، نشانه‌ای از احساس مسئولیت عمیق بود. از رسانه ملی و مستقل گرفته تا خبرگزاری‌های داخلی و خارجی، پژواک صدای اساتید ما به گوش همه جهان می‌رسید. در این میان، برنامه «گناخت» که ثمره ایده و تلاش تلویزیون شریف بود، باز خوردهایی جگسزده به همراه داشت؛ به گونه‌ای که تنها مصاحبه دکتر اردلان در باره ایده کودتای نزدیک به ۴۰۰ هزار بیننده را مجذوب خود کرد. حضور اندیشمندان اساتید فعال و بازنشست شریف در این برنامه بازتاب پررنگی در جامعه دانشگاهی داشت و نقشی پررنگی در تحلیل و روشنگری وضعیت ایفا کرد. اما رسالت ما تنها در قاب تصویر و امواج رسانه خلاصه نشد. اساتید شریف نشان دادند که هیچ فشاری مانع از حضور گرم آنها در میان مردم در میدان شهر و در قلب جامعه نمی‌شود. بر پایی نمازهای ظهر و عصر در سردر دانشگاه، بهانه‌ای شد تا اساتید با مردمی که به سردر دانشگاه می‌آمدند، به گفت‌وگو بنشینند و پیوندی عمیق‌تر بین جامعه دانشگاهی و مردم رقم بزنند. این حضور میدانی تا قلب شهر و مدارس نیز امتداد یافت. حضور اساتید در علامه‌حلی، نمونه‌ای از این حضور اساتید در محل جنایت دشمن در طول جنگ بود. از طرفی اساتید وظایف خود می‌دانستند که در کنار مردم میدان را خالی نگذارند. بنده هم در میدان مادر حضور پیدا می‌کردم. با روایتی با احساسات و پرسش‌های مردم همراهی صمیمانه‌ام.

مردم را در میدان نشان دهم. یا بسیاری دیگر از استادان که تلاش کردند تا با حضور در مراسمات شبانه و سخنرانی‌های علمی یا اجتماعی، به این شور و شعور وسیع مردمی ملحق شده و در آن نقش آفرینی کنند. همچنین بیعت علنی و عمومی جمع قابل توجهی از استادان با رهبر سوم انقلاب را نیز می‌توان یکی از مهم‌ترین کنش‌های این روزها دانست تا نشان دهند راه و رسم انقلاب همچنان در شریف جاری است و علی‌رغم داغ بزرگ رهبر شهید انقلاب که تا ابد با ما خواهد بود، اما مسیر آن امام شهید با خلف برومندش، استمرار خواهد یافت و دشمن به وضوح و عیان، از این اقدام خود پشیمان شده و ایران سربلند محقق خواهد شد.

در دل این حوادث و حتی در سایه شوم حمله ناجوانمردانه به حریم دانشگاه، شریان حیات علمی و پژوهشی شریف هرگز از تپش نیفتاد. اقتدار علمی دانشگاه را می‌توان آنجا یافت که کلاس‌های درس با کمترین وقفه و تنها با یک روز وقفه، با صلابت و اشتیاقی دوچندان استادان در بستر مجازی و با ضبط و نشر مستمر جلسات ادامه یافت. این اتفاق نیز نشانه دیگر از تعهد اساتید و دانشگاه به امر آموزش، حتی در روزهای سخت حمله به زیرساخت دانشگاه بود. در این مسیر، حفظ روحیه و امید دانشجویان از طریق نشست‌ها و گفت‌وگوهای صمیمانه دنبال می‌شد. با وجود این، شخصاً بر این باورم که هنوز

خلأیی قابل تأمل در این زمینه احساس می‌شود؛ جای خالی محافلی که در آن، ابعاد گوناگون جنگ از منظرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی، با نگاهی چندبعدی و تحلیلی برای دانشجویان کالبدشکافی شود همچنان نیازمند توجه ویژه است. رسالت اجتماعی ما استادان ایجاب می‌کند که بیش از پیش هم‌نوا با مردم باشیم. در یکی از برنامه‌های «سلام صبح بخیر»، مجری برنامه نکته‌ای ظریف را به بنده یادآور شد که انتقال آن به همکارانم خالی از لطف نیست؛ اینکه برای ملت و رسانه‌ها، دانستن موضع و جایگاه اساتید و دانشجویان شریف از اهمیت بالایی برخوردار است. این سخن، بار مسئولیت ما را سنگین‌تر می‌سازد. ما باید با نام و اعتبار «دانشگاه صنعتی شریف» با جامعه سخن بگوییم؛ نه از سر فخر فروشی که برای ادای دین به مردمی که ما را سرمایه اجتماعی خود می‌دانند، تجربه درخشان انتشار «نامه لانچر» که با ابتکار عزیزانمان در روزنامه منتشر شد و به سرعت بر دل جامعه نشست، گواهی روشن بر این سخن است که مردم تشنه شنیدن صدای ما هستند و می‌خواهند بدانند نخبگان‌شان در کجای این صحنه ایستاده‌اند.

امروز ما استادان وظیفه داریم که از جامعه عقب نمانیم و با تحلیل‌های دقیق و مبتنی بر واقعیت، آینده‌روشن و امیدبخش را برای فردای ایران عزیزمان ترسیم کنیم.



این قلیل

نگاهی به روزنامه از شروع جنگ سوم تحمیلی تا امروز

که امکان حضور در تهران را نداشتند هم از شهرهای خودشان مسئولیت‌هایی که بر عهده داشتند را انجام دادند.

۷. ایجاد شبکه ارتباطی:

حضور دانشجویان و استادان در پیام‌رسان بله و کاهش چشمگیر حضورشان در تلگرام، باعث قطع شبکه اطلاع‌رسانی شریفی‌ها از طریق کانال‌های مختلف دانشگاه و دانشکده‌ها شده بود. روزنامه تلاش کرد با توجه به مرجعیت خبری، در معرفی و رشد کانال‌های اطلاع‌رسانی بخش‌های مختلف دانشگاه چه اداری و چه دانشجویی کمک کرده و موثر باشد.

۸. کمک زیرساختی:

زیرساخت‌های مجازی روزنامه مانند کانال‌های خبری، دسترسی به مدیران رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی امکان بازتاب اخبار و مطالب در شبکه‌های اجتماعی یکی از مواردی بود که در این ایام به کار گرفته شده تا مطالب دانشگاه و دانشگاهیان، در گستره وسیعی توزیع شود. همچنین زیرساخت‌های فیزیکی و تجهیزاتی مانند استودیو و تجهیزات ضبط و تدوین هم در تمام این مدت، در خدمت تولید محتواهای مختلف رسانه‌های دانشجویان، اساتید، کارکنان و فارغ‌التحصیلان بوده و هستند.

این‌ها همه شاید در نگاه اول، زیاد و سخت و طاقت‌فرسا و پرهزمت به نظر برسند؛ آن‌هم زیر فعالیت پدافند و سرمایه‌زستان و فن‌کوئل‌های خاموش دفتر روزنامه و نامهربانی‌های برخی مسئولین دانشگاه و البته انتظارات گسترده و خارج از حیطه وظایف روزنامه‌ها کمی از بالا که نگاه کنیم، هیچ نبودند؛ اگر مقابل اشک چشم مادران داغدار و داغ دل پدران رنج‌دیده میناب و دنا... قرار بگیرند؛ اگر با فشار مالی به خانواده‌ای که کاسی‌شان خراب شد و با عرق ریختن‌های آتش‌نشان‌ها و استرس کشیدن‌های کادر درمان و خطرات کار نیروهای امنیتی مقایسه شوند و روبروی زحمات آفندی‌ها و پدافندی‌ها مورد ارزیابی قرار بگیرند یا در قیاس با حضور شبانه مردم و حملات موشکی و پهپادی بررسی شوند، این کارها هیچ نبودند. اجرشان با دوست، عزتشان زیاد و احترامشان بر ما واجب. انجام وظیفه‌ای بود، هست و خواهد بود! تمام.



دانشگاه به سرعت در حال تصمیم‌گیری می‌باشد، با چند ایده و روند موازی، بدون وقفه به فعالیت‌مان ادامه دهیم؛ روندهایی که می‌شود در موارد زیر آن‌ها را خلاصه کرد:

۱. استفاده از تجربه:

تجربه جنگ ۱۲ روزه در مدیریت بحران، انتشار خبر، ارتباط بی‌واسطه، پاسخگویی سریع، پیگیری مطالبات و... کمک بسیار زیادی به روند ما در این جنگ کرده و همچنان هم آن تجربه‌ها به کار آمده و باعث شده تا با نواقص و سختی‌های کمتر و البته تسلط بیشتری فعالیت خود را ادامه دهیم و حدود ۵۰۰ پیام خبری یا تحلیلی را تا به امروز، علی‌رغم سختی‌های دسترسی، منتشر کنیم.

۲. اطلاع‌رسانی آخرین اخبار:

حجم بالای ابهامات، وضعیت‌های بلا تکلیف کلاس‌ها، تخلیه خوابگاه‌ها و دانشگاه، غذای سلف، تعطیلی ادارات، بازگشت به شهرستان، نکات ایمنی، واکنش شریفی‌ها به جنگ و... مهم‌ترین رسالت روزنامه در این ایام را مثل گذشته انتشار فوری، دقیق و جامع اخبار دانشگاه قرار داد. مسیری که باعث شد تعداد و حجم مطالب هر پیام خبری



روزنامه شریف

ورودی ۷۹ دانشگاه صنعتی شریف

همه چیز از آن صبحگاه شروع شد؛ همان صبح شنبه ۹ اسفند که اساتید و کارمندان و دانشجویان و فن‌وران برای شروع هفته دوم اسفند راهی دانشگاه شده بودند و کلاس‌های ساعت ۹ صبح شروع شده بود و جلسات و نشست‌ها هم در حال شکل گرفتن بودند؛

به همان زمان که صدای انفجار و تماشای آن از جنوب شریف و پخش آرام‌آرام اخبار حملات در رسانه‌ها و تجربه پر خبرترین ساعات و روزهای چند سال اخیر ایران رقم خورد.

وضعیتی با اخبار متنوع و متضاد و پر حجم که نمونه‌اش را فقط می‌شود در انتخابات‌های ریاست جمهوری و یا آن صبح جمعه خرداد که جنگ قبلی آغاز شده بود، دید.

۳. اول اول تا آخر آخر

از همان ساعت‌های اول، تلاش ما در روزنامه این بود بتوانیم خط خبری و محتوایی شریف را مثل گذشته حفظ کنیم و حالا که اطلاع‌رسانی مهم‌ترین کار ما در آن لحظات و ساعات است و



۴. گفتگو محور:

از یک سو بهت و حیرت و از طرف دیگر هم خشم و نفرت، فضایی در دانشگاه ایجاد کرد که هر چه سکوت بیشتر می‌شد، این اوضاع هم تشدید و بدتر می‌شد. برای همین تصمیم گرفتیم تا روزنامه بتواند بستری برای گفتگو و تبادل دیدگاه‌ها، بیان نظرات، شنیدن دیدگاه‌ها و انتشار برخی مطالب مرتبط با جنگ باشد؛ دریافت یادداشت‌های گوناگون از اساتید، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان با موضوعات مختلف، ده‌ها مصاحبه و روایت از اساتید، با همین هدف شکل گرفت.

۵. بازتاب فعالیت‌ها:

در کنار ایجاد فضای گفتگوی مکتوب + پاسخگویی و انتشار اخبار، بازتاب اقداماتی که گروه‌های دانشجویی، بخش‌های اداری و پژوهشی و آموزشی دانشگاه و... انجام می‌دادند هم مثل قبل و البته با شدت بیشتر در دستور کار مقرر گرفت. پوشش‌ها، فضا سازی‌ها، مصاحبه‌ها و رویدادهای حول جنگ در حد توان و حجم ممکن فضای مجازی روزنامه، منتشر شد و در معرض دید عموم قرار گرفتند. از دسته‌های شبانه و پوشش پرچم و نشست‌های مرکز مشاوره تا مراسمات ماه رمضان و گفتگوهای تصویری و حضور در رسانه‌ها و...

۶. حضور بی‌وقفه:

بخش‌های مختلف دانشگاه و غیر دانشگاه، اگر چه دور کار شده بودند و تردد به شریف هم با سختی زیادی انجام می‌شد اما لااقل هسته اصلی روزنامه، در تمام طول جنگ، در دفتر روزنامه حضور داشته و دارند تا کارها بدون وقفه ادامه پیدا کنند؛ دانشجویایی از تیم

ما، از روزهای گذشته‌اش بیشتر باشد و برخی روندها و قواعد جاری را هم بابت آن کنار بگذاریم تا بتوانیم طی ارتباط مستمر با مسئولین مختلف شریف، در جریان جزئیات تصمیماتشان قرار بگیریم.

۲. پاسخگویی بی‌وقفه:

در طول جنگ تحمیلی سوم و روزهای پس از آن در دوران آتش‌بس به‌ویژه روزهای حمله به شریف و فشار کاری بالا، مجموعاً به حدود ۲۰۰۰ پیام به ادمین، پاسخ داده شد و در کنارش هم در گروه‌ها و بسترهای مختلف خصوصی و عمومی فضای مجازی و البته تماس‌های مکرر به دفتر روزنامه، سوالات دانشجویان و اساتید و فن‌وران و کارکنان دانشگاه، با پیگیری از مدیران مربوطه، جواب داده می‌شد.

۳. در هر پیام‌رسان:

مشکلات ناشی از فیلترینگ، قطع اینترنت بین‌الملل و... اگر چه مصلحت‌بزرگی مثل امنیت کشور، پشتوانه‌اش بود اما بزرگترین ضربه را هم به خط



مدیر مسئول:
امید اخوان

همکاران این شماره:

امیرعلی زلیکانی، عبدالصمد حقیری، ریحانه قنبری، مهدیار شاهمیرزایی، سینا سیدجلالی، فرزاد رحمانی، محمدمهدی نوری، نادیا پسندیده، مصطفی نازنین، فاطمه دلاور، علیرضا محسنی، محمدحسین تاج محمدی، سیدمحمدحسین یاسینی، دکتر علی اکبر ابوالحسنی، محمد صالح سپهری

سرویس عکس:
مهدی نوروزی

ویراستار:
ملیکا هوشی

صفحه آرا:
داوود سرخوش

جانشین مدیر مسئول:
سید محمد امین سپیدهدم

تقدیم می‌شود به ...

این شماره سراسرش تقدیم است؛ کلمه کلمه و روایت روایتش تحفه‌ای ناچیز و انجام وظیفه‌ای خودجوش از طرف دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی شریف در جنگ تحمیلی سوم به پیشگاه مردم سربلند ایران است که حالا بیش از ۵۰ شب و روز در میدان و خیابان، با تمام سختی‌ها و گلايه‌ها و مشکلات، مقابل جماعتی قلدر به دفاع از استقلال و وطن و شرف و عقایدشان ایستاده‌اند. این شماره که هیچ، هر آنچه از بهترین‌ها که قابل تصور است فدای مردم ایران و مسیری که در پیش گرفته‌اند و از آن کوتاه نخواهند آمد...



«یک قاب برای شریف»

نگاشت، گام اول به سوی تلویزیون شریف را محکم برداشت



محمد صالح سپهری

۹۴ کارشناسی مهندسی صنایع

«نگاشت» متولد جنگ سوم تحمیلی است؛ یک سلسله برنامه گفتگومحور از قلب شریف که با شروع تجاوز به ایران، طراحی‌اش توسط جمعی از دانشجویان و

فارغ التحصیلان دانشگاه و با حمایت زیرساختی روزنامه با توجه به فعالیت‌های تصویری گذشته ما آغاز شد و از دهه سوم اسفند ۴۰۴ هم به انتشار رسید؛ خیلی زود هم توانست جای پای خود را در میان برندهای مطرح کشور محکم کند. ایده‌ای که استقبال گسترده از آن، در کنار فعالیت‌های

تصویری گذشته در دل روزنامه با استفاده از استودیو منفی یک بعلاوه‌ی نیاز بالای تصویری دانشگاه، این نوید را می‌دهد که دیر یازود، در صورت هماهنگی درون دانشگاه و اخذ مجوزهای خارج شریف، بتواند تحت عنوان «تلویزیون شریف» در کنار «رادیو شریف» برای مطالب صوتی و «روزنامه شریف» برای مطالب

مکتوب که سال‌هاست فعال هستند، به تولید محتوای تصویری بپردازد. پنج‌شنبه سوم اردیبهشت ۴۰۵ با انتشار دهمین قسمت نگاشت، فصل اول این گفتگوی تصویری به کار خود پایان داد؛ برنامه‌ای که در این ده قسمت، میزبان چهره‌های ارزشمند زیر بود:

گودتای دوم

دکتر فرهاد اردلان

هم‌بنیان‌گذار پژوهشگاه دانش‌های بنیادی
استاد پیشکسوت دانشکده فیزیک شریف



جنگ، دانشگاه و اندیشکده‌ها

دکتر محمدصادق امامیان

هم‌بنیان‌گذار اندیشکده حکمرانی شریف
عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر



شطرنج انرژی در خاورمیانه

دکتر عباس ملکی

معاون سابق وزارت امور خارجه
عضو هیئت علمی دانشکده انرژی شریف



احیای خودآگاهی

دکتر بیژن عبدالکریمی

عضو هیئت علمی فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی
اندیشمند و پژوهشگر علوم انسانی و اجتماعی



ترکش‌های جنگ رسانه‌ای

دکتر محمد شریفخانی

معاون سابق فضای مجازی سازمان صداوسیما
عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق شریف



ایران در روز سرنوشت

دکتر علیرضا شفاه

دانشجوی دکتری فلسفه علم دانشگاه شریف
عضو شورای علمی موسسه علم و سیاست اشراق



اقتصاد جنگ: نگاهی به آمریکا

دکتر مهدی انصاری

تحلیلگر سابق Federal Reserve مینا پولیس آمریکا
عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد شریف



در جستجوی طرحی نو

دکتر سیاوش شهشهانی

بنیان‌گذار اینترنت و چهره ماندگار ریاضی ایران
استاد پیشکسوت دانشکده علوم ریاضی شریف



علم مدرن، وضونمی خواهد

دکتر رضا منصوری

معاون پژوهشی وزارت علوم در دولت هشتم
استاد پیشکسوت دانشکده فیزیک شریف



سایه جنگ بر دانشگاه

دکتر علینقی مشایخی

موسس دانشکده مدیری، بنیاد حامیان و انجمن فارغ التحصیلان
استاد پیشکسوت دانشکده مدیریت و اقتصاد شریف



برای دنبال کردن این رسانه در شبکه‌های اجتماعی مختلف (فعلاً داخلی!) و تماشای قسمت‌های قبلی و البته فصل دوم آن که به زودی شروع می‌شود، می‌توانید از آدرس‌های زیر اقدام کنید:



شاد

shad.ir/TVsharif



روبینو

rubika.ir/page/TVSharif



اینا

eitaa.com/tvsharif



سروش

splus.ir/TVsharif



آپارات

aparat.com/TVsharif



بله

ble.ir/TVSharif